

✓

به نام خداوند جان و خرد

طبیعت گرای کلبه آرمیتاژ

محمد اسماعیلی



سرشناسه: اسماعیلی، محمد، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور: طبیعت‌گرای کلبه آرمیناژ/ محمد اسماعیلی؛ ویراستار محمد
هاشمی.
مشخصات ناشر: نجف‌آباد: رگبار دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۷۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۵۳-۶-۸.
وضعیت فهرست: فیبا.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: روسو، ژان ژاک، ۱۷۱۲-۱۷۷۸ م.
موضوع: Rousseau, Jean Jacques
رده بندی کنگره: B۲۱۳۷
رده بندی دیویی: ۱۹۴
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۶۰۱۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



طبیعت‌گرای کلبه آرمیناژ

طراح جلد: زهره والی‌نیا	مؤلف: محمد اسماعیلی
لیتوگرافی و چاپ: دارخوئین	ناشر: رگبار دانش
نوبت چاپ: اول	ناظر فنی: محمد اسماعیلی
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه	ویراستار: محمد هاشمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۵۳-۶-۸	صفحه آرا: رضا خدادادی

قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان، نجف‌آباد، ویلاشهر، خ ۱۲۳، پ ۲۴
تلفن: ۰۹۱۳۲۳۰۶۴۲۳ - ۰۹۱۳ ۵۷۳ ۲۹۸۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

۴	پیش گفتار
---	-----------

فصل اول: زندگی نامه

۹	کودکی
۱۱	احوال شخصی
۱۲	تحصیلات
۱۴	تألیفات
۱۷	تأثیر
۱۹	حرفه‌ها و مشاغل
۲۰	سفرها
۲۲	ارتباط با زنان و ازدواج
۲۵	امیل
۲۷	مرگ
۲۸	آرامگاه

فصل دوم: اندیشه‌ها

۳۱	آزادی
۳۱	آموزش و پرورش
۴۱	پزشکی
۴۲	جامعه
۴۵	خانواده
۴۹	حکومت
۵۱	زندگی
۶۰	طبیعت
۶۱	عدالت
۶۲	مذهب
۶۶	نویسنده‌گی
۶۹	منابع

◎ پیش گفتار

سال ۱۷۱۲ م. در شهر ژنو پا به عرصه وجود نهاد. سنش به جایی رسید که خواسته یا ناخواسته در جرگه متفکران جهان قرار گرفت. افکار و ایده‌هایی عرضه کرد که اغلب جنجالی شدند. تا زنده بود کمتر به ایده‌هایش توجهی شد. اما پس از مرگش (۱۷۶۷ م) افکارش جهانی شد.

بسیاری از دگرگونی‌های اجتماعی حاصل اندیشه‌های او بود. ابتدا فرانسوی‌ها و سایر اروپایی‌ها به ایده‌هایش روی خوش نشان دادند. آمریکایی‌ها پس از آن به منش او گرویدند. سپس تقریباً در اغلب ممالک جهان مستقیم و غیرمستقیم از اندیشه او استفاده کردند.

هنوز هم که سه صده از تاریخ مرگش گذشته است؛ نمی‌توان ادعا کرد که همه افکارش مسخ و به درد نخور شده است. باز هم کم‌وبیش به منش او رجوع می‌کنند. زندگی مبنای طبیعی دارد. آنچه طبیعت در اختیار بشر می‌گذارد. تمدن مردود است. اگر پیشرفت هست از آن چاره‌ای نیست. انسان در زندگی اولیه آرامش داشته است. دغدغه انسان پس از گرایش به پیشرفت حاصل شده است.

بی‌تجمل هم می‌توان زیست. شکوه زندگی در ریخت و پاش نیست. منزل باشکوه ضروری نیست. در کلبه هم می‌توان آسوده خاطر بود.

خوراک طبیعی از خوردنی‌های مصنوعی و لوکس فراتر است. گوشت‌خوار بودن کافی نیست. گیاه‌خواری هم مفید است. ظاهر ساده و بی‌پیرایه برتر از پوشش زربفت است.

آوا و آواز تنوع زندگی است. موسیقی نه تنها کراهت ندارد، بلکه مایه آرامش روح و روان است.

شادی؛ جایگزین غم و اندوه است. رقص؛ نماد شادی است. تئاتر و نمایش جزو ذات بشر است. بیان غم و شادی در حرکات منظم و نمادین است.

بهترین تفرجگاه طبیعت است. کوه و دشت و دریا آرامش بخش طبیعی هستند. روستا؛ جایگاهش والا است. شهر؛ آزدگی می آورد.

محیط زیست مقدس است. نباید آلوده شود. باید دفع آلودگی نمود. حیوانات جزو چرخه زندگی هستند. نه تنها آزار نمی بینند بلکه نگهداری و حفاظت می شوند.

کمتر به پزشک رجوع می کند. با طبیعت، بلا دفع می کند. داروهای شیمیایی کمتر اهمیت دارند و گیاهان دارویی مهم ترند. در تحصیلات به دنبال مدرک نیست. در پی آگاهی و مطالعه است. هدف از نوشتن کسب درآمد نیست. نویسندگی حرفه به حساب نمی آید.

هدف از تعلیم و تربیت، شغل نیست. انسانیت ملاک بالاتری است. انسانیت؛ مرز، نژاد، زبان، مذهب و... نمی شناسد. کار؛ جوهر زندگیست. شغل؛ هر چه باشد، نیکوست، مگر در اجتماع مفید نباشد.

در زندگی دروغ نمی گوید. اگر مخالف باشد، قدرت «نه» گفتن را دارد. در مراوداتش پررویی نمی کند. در بیان خواسته هایش خجالتی هم نخواهد بود.

ارتباط با جنس مخالف را ناپسند نمی داند. در پی جسارت به

جنس مخالف هم نیست.

خوش بختی را در گرو خوشبختی جمع می دانند. گرچه در تنهایی زندگی کند و از جمع گریزان باشد.

دوستان در کمیت و کیفیت مهم هستند. باید همه انسان‌ها را دوست داشت. از دشمنان، بی اعتنا عبور می کند.

مسافرت؛ مایه شور و نشاط زندگی است. هرجایی برای یک سفر، می ارزد.

ازدواج واقعی در عقد و نکاح کاغذی و رسمی نیست. تعهد اصلی، در ماندن است. زن و مرد به یک اندازه محبوب هستند. مرد یا زن نسبت به دیگری برتری ندارد.

با دین و مذهب دیگران به جنگ نمی رود. هر کس با عقاید خودش خوش است. خود برتری دینی و عقیدتی را نمی پسندد. عقاید اشتباه را بیان می کند. تغییر عقیده را اجباری نمی کند. عبادت را درون خویش می داند. ظاهر بسازی را نمی پسندد. دعا را حلال مشکلات نمی داند. در جهت امید و آمال و آرزوها تنها دعا می کند. امیدواری با زندگی عجین است با امید باید زیست.

حکومت بر مبنای نظر مردم بنا می شود. قوای سه گانه بر مردم نمایندگی می کنند. دولت و ملت ارتباط متقابل دارند. دولت‌ها ارباب ملت‌ها نیستند. دولت‌ها به ملت خود دروغ نمی گویند. دولت‌ها به ملت خود زور نمی گویند. ملت‌ها از دولت خوب تبعیت می کنند. ارتباط ملت و دولت بر مبنای قانون است. قوانین ظالمانه نیست. بر مبنای طبیعت بشر است. ملت از قوانین غیرطبیعی و ظالم آن اطاعت نمی کنند.